

# **Extent of Criminal Protection for Vulnerable Parents against Domestic Violence based on Islamic Teachings**

**Ḥasan Gharawī**<sup>\*</sup>

**Muḥaddithih Mihrābīzādih**<sup>\*\*</sup> **Muḥsin Fattāḥī**<sup>\*\*\*</sup>

(Received: 11/10/2020; Accepted: 18/12/2020)

## **Abstrac**

The family, as the cornerstone of society, has a high status in the religious tradition and is the most important social institution and the fundamental factor in the progress and prosperity of the citizens of society. The Quran and Sunna, the main sources of Islamic jurisprudence and law, place special emphasis on respecting the rights of parents as the main pillars of the family. Domestic violence of children against parents shakes the foundation of the family. The question of this study is: What is the legal responsibility of children for domestic violence against parents and to what extent has the Iranian legal system been able to defend them against those who do not respect the privacy of parents? The purpose of this study is to investigate the policies of criminal accountability for crimes committed against parents, especially the elderly and the disabled, as well as their differential judicial protections. Despite the strong foundations in the criminalization of domestic violence against parents, it seems that the legislature has not made full use of this legal capacity. Therefore, it is necessary to consider a special place in criminal law to protect parents. An analysis of Iranian law reveals the weakness and ambiguity of rules relating to violence against parents. However, avoiding criminal inflation requires a more realistic view in attributing criminal liability. The present study, using library method in collecting information by descriptive-analytical approach, and exploring various aspects of the issue, analyzes the jurisprudential and legal fundamentals of the extent of legal protection of parents against domestic violence.

**Keywords:** Domestic Violence, Violence against Parents, Judicial Protection, Criminalization, Criminal Liability.

---

\* PhD Graduate in Islamic Philosophy and Qom Seminary Graduate in Jurisprudence, Baqir al-Olum University, Qom, Iran, hgharavi22@gmail.com.

\*\* PhD Student in Women Studies, Women's Rights in Islam, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), m.mehrabizadeh@urd.ac.ir.

\*\*\* Assistant Professor, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.fattahi@urd.ac.ir.

## گستره حمایت کیفری از والدین آسیب پذیر در برابر خشونت خانگی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی

حسن غروی\*

محدثه مهرابی زاده\*\* محسن فتاحی\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸]

### چکیده

خانواده به مثابه سنگ زیرین ساختمان جامعه، جایگاه رفیعی در سنت دینی دارد و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و عامل اساسی پیشرفت و شکوفایی شهروندان جامعه است. قرآن و سنت، به عنوان مصادر اصلی فقه و حقوق اسلامی، بر رعایت حقوق والدین به عنوان رکن اصلی خانواده تأکید ویژه دارند. خشونت خانگی فرزندان علیه والدین بنیان خانواده را متزلزل می‌کند. پرسش این پژوهش آن است که: فرزندان از نظر حقوقی چه مسئولیت کیفری‌ای در برابر خشونت خانگی علیه والدین دارند و نظام حقوقی ایران تا چه میزان توانسته است از ایشان در برابر افرادی که حریم خصوصی والدین را محترم نمی‌شمرند، دفاع کند؟ هدف از پژوهش حاضر واکاوی سیاست‌های پاسخ‌دهی کیفری در قبال جرایم ارتكابی علیه والدین، به‌ویژه سالمندان و ناتوانان و همچنین حمایت‌های قضایی افتراقی از آنها است. به نظر می‌رسد با وجود مبانی مستحکم در جرم‌انگاری علیه خشونت خانگی در برابر والدین، قانون‌گذار از این ظرفیت حقوقی استفاده شایانی نکرده است. لذا ضرورت دارد جایگاه ویژه‌ای در قوانین کیفری برای حمایت از والدین در نظر گرفته شود. واکاوی قوانین ایران نشان‌دهنده ضعف و ابهام قوانین مربوط به خشونت علیه والدین است. با این حال، اجتناب از تورم کیفری اقتضا می‌کند در انتساب مسئولیت کیفری نگاه واقع‌بینانه‌تری داشته باشیم. پژوهش حاضر، با روش کتاب‌خانه‌ای اسنادی در مقام گردآوری، و رویکرد توصیفی تحلیلی در مقام داوری، با واکاوی ابعاد گوناگون این موضوع، به تجزیه و تحلیل مبانی فقهی حقوقی گستره حمایت حقوقی از والدین در برابر خشونت خانگی می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** خشونت خانگی، خشونت علیه والدین، حمایت قضایی، جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری.

\* دانش‌آموخته درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم،

ایران hgharavi22@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده

مسئول) m.mehrabizadeh@urd.ac.ir

\*\*\* استادیار دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.fattahi@urd.ac.ir

## بیان مسئله

شهروندان به دلایل گوناگون ممکن است در معرض آسیب و آزار قرار بگیرند. قانون‌گذار بر حسب وظیفه، مسئولیت حمایت از شهروندان در برابر خشونت‌های مختلف را بر عهده دارد. گاه این خشونت‌ها در حوزه خصوصی و خانواده است و گاه در حوزه عمومی و جامعه. دخالت در حوزه خصوصی برای قانون‌گذار دشوار، و همراه با محدودیت‌های متعدد است. این سختی از لزوم حمایت از تک‌تک افراد جامعه نمی‌کاهد. از این جهت که همه افراد جامعه در برابر قانون برابرند (قانون اساسی، اصل ۲۰) گسترش فرزندسالاری و آزادی‌های فردی موجب شده است فرزندان اقتدار سنتی والدین را به پرسش بکشند و آنها را در معرض خشونت آشکار و پنهان قرار دهند. در میان گروه‌های انسانی، همواره افرادی هستند که میزان آسیب‌پذیری‌شان بیش از سایرین است. والدین به دلایل مختلفی چون کهولت سن، ناتوانی بدنی یا روحی، عواطف پدری یا مادری و ملاحظات اخلاقی در معرض خشونت فرزندان قرار می‌گیرند، اما اغلب، درگیری‌های خانوادگی گزارش نمی‌شود (<http://ana.ir/i/137257/>). همین مسئله حمایت حقوقی اجتماعی از والدین و جرم‌انگاری خشونت علیه ایشان را ضروری می‌کند. خشونت اعمال فشارهای جسمی یا روانی برای رسیدن به نتیجه مد نظر است (سالاری‌فر و تیبک، ۱۳۸۹: ۱۱). گرچه تعبیر «خشونت خانگی» به معنای مصطلح در فقه اسلامی به کار نرفته، اما مفاهیم مرتبط، هم‌معنا و مصادیق آن کاربردی گسترده در فقه اسلامی دارد. واژگانی همچون «قتل» (اسراء: ۳۳)، «بغی» (نحل: ۹۰)، «فحش» (حجرات: ۱۱)، و «تمسخر» (همان) از جمله واژگان دینی است که در زمینه خشونت به کار رفته است.

گسترش مفهوم «حق» در غرب، پیوسته، دامنه حقوق والدین را تغییر داده و متحول کرده است. به تبع آن، مفهوم «خشونت» مصادیق گسترده‌تری در ادبیات حقوقی به دست آورده است. از باب نمونه خشونت گفتاری که در گذشته از مصادیق خشونت به شمار نمی‌رفت، اکنون به یکی از مصادیق بارز خشونت تبدیل شده است.

خشونت جسمی آشکارترین شکل خشونت است که با هدف آسیب‌رساندن به دیگران یا مهار آنها صورت می‌گیرد. حریم خانه بارزترین مصداق حریم خصوصی است. خشونت خانگی، منحصر به خشونت در میان چهاردیواری خانه نیست و هر نوع خشونت از ناحیه نزدیکان را که متوجه والدین شود در بر می‌گیرد، هرچند این خشونت در خارج از خانه و در سایر محیط‌های خصوصی واقع شود. خشونت علیه

والدین در قالب آسیبی پنهان و نامرئی نه تنها می‌توانند بنیان خانواده را تضعیف کنند، بلکه موجب خشونت‌ها و پیامدهای اجتماعی‌ای نیز می‌شود که در محیط خارج از خانه و در فضای عمومی نمود پیدا می‌کند (صادقی فسایی و شعبانی افارانی، ۱۳۹۶: ۵). «خشونت خانگی خشونتی است که در محیط خصوصی خانواده به وقوع می‌پیوندد و عمیقاً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند» (آقاخانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۸۵). «اصطلاح خشونت در خانواده، شامل آن دسته از اعمال خانوادگی می‌شود که بدرفتاری عاطفی، روانی، جنسی و جسمی عضو یا اعضای خانواده را با عضو یا اعضای دیگری از خانواده به همراه داشته باشد» (صادقی فسایی و شعبانی افارانی، ۱۳۹۶: ۱۲).

پدیده خشونت علیه والدین، پدیده‌ای نوظهور نیست و از مسائل مستحدثه به شمار نمی‌رود. گسترش علم حقوق، مطالبات حقوقی، به‌ویژه پیگیری حقوق والدین، در برابر خشونت خانگی را افزایش داده است. گسترش مطالعات حقوقی در غرب و بالتبع در ایران، موجب بازنگری در روابط حقوقی، به‌ویژه راجع به والدین، شده است. تعیین جایگاه و حقوق افراد در خانواده اهمیت ویژه‌ای در مباحث حقوقی پیدا کرده است. آسیب‌پذیری فرزندان و زنان توجه ویژه قانون به حقوق ایشان را در پی داشته است. آنچه کمتر در قوانین ایران نمود پیدا کرده توجه به حقوق والدین است، به گونه‌ای که این نگرانی به وجود آمده است که غفلت از حقوق والدین و بی‌توجهی به آن و تأکید ویژه قوانین بر حقوق فرزندان زمینه را برای نامتوازن بودن قوانین و بی‌ثباتی خانواده فراهم کند. خشونت علیه والدین، خشونت علیه یکی از ارکان خانواده و در نتیجه تزلزل بنیان خانواده است. گرچه در جوامع لیبرال مبنای قانون‌گذاری، دخالت‌نکردن دولت در حوزه خصوصی است، خشونت علیه والدین محل توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

پرسش این پژوهش آن است که: فرزندان از نظر حقوقی چه مسئولیت کیفری‌ای در برابر خشونت خانگی علیه والدین دارند؟ و حقوق ایران تا چه میزان توانسته است در برابر افرادی که حریم خصوصی والدین را محترم نمی‌شمرند، از حریم والدین دفاع کند؟ هدف از پژوهش حاضر واکاوی سیاست‌های پاسخ‌دهی کیفری در قبال جرایم ارتكابی علیه والدین، به‌ویژه سالمندان و ناتوانان، و نیز حمایت‌های کیفری قضایی افتراقی از آنان با روش تحلیلی‌توصیفی است.

## پیشینه پژوهش

منابع اسلامی به صورت گسترده به حقوق والدین و مجازات خشونت علیه والدین توجه کرده‌اند. در مقالات و قوانین، به انواعی از خشونت، همچون خشونت والدین علیه فرزندان، و خشونت شوهر علیه همسر به صورت گسترده توجه شده است. اما موضوعی که مغفول واقع شده خشونت خانگی، به‌ویژه خشونت فرزندان علیه والدین، است. مقالات نوشته‌شده در این زمینه عمدتاً جهت‌گیری جامعه‌شناختی دارند، و از جهت مسئولیت حقوقی به این موضوع کمتر پرداخته‌اند.

صادقی فسایی و شعبانی افارانی (۱۳۹۶) به مطالعه کیفی ابعاد خشونت فرزندان علیه والدین پرداخته‌اند. داده‌های این پژوهش حاکی از آن است که مصادیق ولی‌آزاری در سه دسته خشونت عاطفی، مالی و فیزیکی می‌گنجد و راهکارهای والدین در مقابل این پدیده ممکن است فعالانه یا منفعلانه باشد.

شربتیان و همکاران (۱۳۹۶) پدیده خشونت خانگی علیه زنان را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد که از بین انواع خشونت علیه زنان، خشونت‌های عاطفی، کلامی و روانی شایع‌ترین نوع خشونت بوده است. علاوه بر این، با افزایش هر یک از انواع خشونت، میزان احساس امنیت در خانه کاهش می‌یابد. مطالعات حقوقی درباره خشونت خانگی در حوزه زنان بسیار نادر است. از این‌رو، منابع مطالعاتی در این زمینه با فقر جدی مواجه است.

## جایگاه خانواده و والدین در سنت دینی

خانواده، پس از نزول قرآن و در پرتو دستورهای اسلام جایگاه حقیقی خود را بازیافت. سنت دینی، بنیان خانواده را بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی برای پیشرفت و موفقیت جامعه و ملت به شمار می‌آورد. اسلام، آیینی اجتماعی است و خانواده اجتماع کوچکی است. لذا در مقیاس وسیع جامعه، مقیاسی کوچک به نام خانواده قرار دارد. در این میان، باید نهاد خانواده و علقه و رابطه روحی حاکم بر آن را، نخستین سنگ زیربنای جامعه بشری برشمرد تا جایی که به فرموده پیامبر ﷺ «در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴/۲۰). لذا تحقق مفهوم واقعی زندگی به تشکیل خانواده نیاز دارد و بدون این اجتماع کوچک، زندگی طبیعی برای انسان امکان‌پذیر نیست. سنت دینی، تأکیدات خود در حوزه خانواده را با بیان الگوهای

هنجاری حقوقی مربوط به رابطه فرزندان با والدین تثبیت کرده است. لذا توجه قانونگذاران به جایگاه خانواده و والدین به عنوان رکن اصلی خانواده ضروری به نظر می‌رسد.

### احسان: الگوی کلی در رفتار فرزندان با والدین

سنت دینی جایگاه ویژه‌ای به والدین به عنوان رکن و محور اصلی خانواده داده است. از این رو، اسلام حقوق مشخصی را برای والدین تعریف کرده، و در برابر حقوق فرزندان، مسئولیت‌های سنگینی بر عهده ایشان گذاشته است. قرآن کریم صراحتاً «احسان» به والدین را بر فرزندان واجب کرده و از فرزندان خواسته است در برابر والدین کمال ادب و احترام را رعایت کنند. از منظر دینی، «احسان» در فعل در برابر «بدی و آزار» قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۱۳). مفسران برجسته بر مفهوم قرآنی «احسان» تأکید کرده، «معروف» را در تفسیر «صاحبهما فی الدنيا معروفاً» (لقمان: ۱۵) به «احسان» معنا می‌کنند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴۳۵/۳). از نگاه دینی، احسان به پدر و مادر، بعد از توحید، از واجب‌ترین واجبات است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۱۳). نیکی و احسان به پدر و مادر از احکام عمومی است که در همه شرایع تشریح شده است (همان: ۳۰۷/۱۸). با وجود اینکه در میان ارزش‌های اجتماعی، «عدالت» محوری‌ترین و والاترین ارزش به شمار می‌رود و پیشرفت جامعه در گرو عدالت‌ورزی و رفتار عادلانه فردی و جمعی است، بر اساس تعالیم قرآنی، اصل کلی در رفتار فرزندان با والدین، اصل «احسان» است (همان). از نگاه لغت‌شناسان، «احسان» مرتبه‌ای بالاتر از «عدالت» است؛ «عدل» یعنی انصاف‌دادن، به این معنا که به چیزی یا حقی که کم است افزوده می‌شود و اگر بیشتر است گرفته می‌شود، ولی «احسان» چیزی است که بیش از آنکه لازم است داده می‌شود و کمتر از آنکه باید، گرفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۹۳/۱). در اهمیت احسان همین بس که خداوند در چند جای قرآن احسان به پدر و مادر را تالی توحید و شرک دانسته است<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۵/۷). قرآن کریم از مؤمنان خواسته است فرزند در معاشرت و گفت‌وگویی با پدر و مادر به گونه‌ای رفتار کند که پدر و مادر تواضع و خضوع زبانی و عملی را کاملاً احساس کنند (همان: ۱۱۰/۱۳). فخر رازی نیز معتقد است بر اساس آیه «و بالوالدین إحسانا» (إسراء: ۲۳) نیکی و احسان به والدین واجب است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۷۶/۱۰). از نگاه او، خدمت به والدین، بلندنکردن صدا، پرهیز از

خشونت کلامی، تلاش در تحصیل خواسته‌ها و انفاق در حد توان، سلاح‌نکشیدن و دوری از قتل ایشان، از مصادیق احسان است (همان). برخی گمان می‌کنند احترام به والدین این است که آنها را نباید آزار و اذیت کرد، اما وقتی سن والدین افزایش یابد می‌توان آنها را به خانه سالمندان فرستاد! در حالی که بر اساس تعالیم قرآن کریم چنین حقی ندارند (<https://b2n.ir/234666>).

سنت دینی، الگوی سیاست‌گذاری کیفری را در برابر قانون‌گذار گذاشته و از او خواسته است راجع به حقوق والدین نهایت تحفظ را داشته باشد و هر گونه ظلم به والدین را مشمول مجازات کیفری قرار دهد. بر اساس الگویی که در سنت دینی برای مسلمانان و سیاست‌گذاران کیفری قرار داده شده است، فرزندان و والدین در حقوق و وظایف به هیچ وجه یکسان نیستند. حقوق والدین بسیار گسترده‌تر از حقوق فرزندان است و وظایف فرزندان به مراتب بیشتر از وظایف والدین است. بر این اساس قانون‌گذار باید در جرایم کیفری فرزندان در قبال والدین با حساسیت بیشتری تصمیم بگیرد و مجازاتی که برای خشونت فرزندان علیه والدین قرار می‌دهد، شدت بیشتری داشته باشد.

### احسان مالی: حق والدین در برابر فرزندان

وضعیت اقتصادی پدر و مادر، فراز و فرود دارد و دست‌خوش حوادث، بحران‌ها و هیجان‌های اقتصادی می‌شود. این موضوع سبب شده است مکتب اسلام به احتیاجات اقتصادی والدین توجه ویژه‌ای داشته باشد. توجه به والدین به میزانی است که اسلام از فرزندان خواسته است دیون والدین را بدون هیچ چشم‌داشتی بپردازند. حر عاملی، در فصلی راجع به حقوق والدین، «احسان» را به معنای حسن معاشرت و برآوردن نیازهای والدین قبل از درخواست آنها دانسته است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۳۵/۷). بر اساس احادیث، فرزندان باید به گونه‌ای نیازهای والدین را برآورده کنند که آنها مجبور به درخواست از ایشان نشوند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۸۵). از نگاه فقها، نفقه پدر و مادر معسر بر عهده فرزندان است. بر همین اساس، بر فرزندان لازم است در صورت عجز و ناتوانی پدر و مادر مخارج زندگی ایشان را تأمین کنند (موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۲/۲۸۵). مسئولیت فرزندان محدود به دوران حیات والدین نیست. فرزندی که دیون والدین مرحوم خود را نپردازد

خداوند او را عاق محسوب می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۳۷/۷).

به نظر می‌رسد فرزند در ادای حوایج والدین نباید از هیچ کمکی دریغ کند. برآورده‌نکردن حوایج والدین نوعی خشونت مالی محسوب می‌شود. اگرچه ندادن دیون پدر از دنیا رفته، از منظر دینی گناه شمرده نشده، اما برآورده‌نکردن نیازهای مالی والدین گناه است و فرزند در برابر خداوند مسئول است. این مطلب، مستند شرعی را در خشونت‌های مالی در اختیار قانون‌گذار قرار می‌دهد.

### ابعاد و گستره خشونت خانگی علیه والدین

خشونت خانگی واقعیتی آزاردهنده و انکارناپذیر در دنیای امروز است. این نوع از خشونت به جامعه یا طبقه اجتماعی خاصی اختصاص ندارد و جامعه و طبقات اجتماعی مختلف با آن دست به گریبان‌اند. تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی نه‌تنها میزان خشونت را کاهش نداده، بلکه خانواده را با انواع جدیدی از خشونت روبه‌رو کرده است. خشونت فرزندان علیه والدین به‌ندرت محل توجه جامعه علمی، در داخل و حتی خارج از کشور، قرار گرفته است (صادقی فسایی و شعبانی افارانی، ۱۳۹۶: ۴). عوامل گوناگون در جامعه مدرن موجب شده است رابطه والدین و فرزندان از حالت معمول خارج شود و بیش از هر زمان دیگر فرزندان در موضع قدرت قرار بگیرند و نظارت و اقتدار والدین را به صورت‌های مختلف نقد کنند (همان). خشونت، خود را در به دست آوردن امتیازی نشان می‌دهد که حق فرد نیست. کسی که خشونت می‌ورزد این ناحق را با خشونت کلامی، روانی و فیزیکی به دست می‌آورد. گاه خشونت عریان است و در قالب خشونت فیزیکی رخ می‌دهد؛ گاهی هم خود را در آزار کلامی، روانی و حتی تجاوز به حریم افراد و محترم نگه‌نداشتن حقوق فردی نشان می‌دهد. فضای تنش‌آلودی که بین والدین و فرزندان شکل می‌گیرد ناشی از مطالبات اقتصادی، محترم نگه‌نداشتن حریم شخصی، نداشتن درک متقابل به دلیل فاصله نسلی و البته الگوگرفتن نوجوانان از بزرگ‌ترهایی است که مدام علیه دیگران خشونت می‌ورزند.

### خشونت فرزندان علیه سالمندان

سالمندآزاری از مهم‌ترین مقوله‌ها در حوزه آسیب‌های اجتماعی است و بعد از کودک‌آزاری و همسرآزاری رتبه سوم خشونت‌های خانگی را به خود اختصاص داده



است. سالمندآزاری به معنای رفتاری است که از فرد یا افراد مراقبت‌کننده از سالمند سر می‌زند و باعث آسیب به او و کاهش کیفیت زندگی‌اش می‌شود. مهم‌ترین بحث در انواع این سوءرفتار، سوءاستفاده مالی از افراد سالخورده‌ای است که به دلیل کهولت سن یا ابتلا به بیماری‌های زوال عقل تسلطی بر اعمال خود ندارند و امور مالی زندگی خود را به مراقب یا مراقبان خود سپرده‌اند. اما گاهی سالمندآزاری از نوع عاطفی و روانی و همچنین غفلت و طردکردن است. در نهایت، آخرین نوع سوءرفتار با سالمندان، خشونت جسمی و جنسی است که خوش‌بختانه از دیگر انواع آن کمتر است و به‌ندرت رخ می‌دهد (<https://b2n.ir/820286>).

### خشونت فرزندان علیه مادر

پدیده خشونت فرزندان علیه مادر، پدیده جدیدی نیست، با این حال، در زمان کنونی و بر اساس تغییرات فرهنگی جامعه گسترش یافته است. خشونت فرزندان علیه مادر از جمله وجوه خشونت خانگی است که در دوران قرنطینه ناشی از کرونا افزایش چشمگیری داشته، به طوری که میزان خشونت در برخی کشورها تا سه برابر افزایش یافته است (<https://b2n.ir/036826>). خشونت نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۷ سال علیه والدین، به‌ویژه مادر، چنان گسترده شده که مسئولان و نهادهای مختلف مجبور شده‌اند راجع به پیامدهایش هشدار دهند (همان). اطلاعات دقیقی از گستره خشونت‌هایی که نوجوانان علیه والدینشان اعمال می‌کنند وجود ندارد، چراکه چنین خشونت‌هایی بیش از سایر خشونت‌های خانگی پنهان می‌ماند. در ایران به این نوع خشونت چندان توجه نشده و زیر سایه انواع خشونت‌های دیگر قرار گرفته است. البته زنان بیشتر از مردان قربانی خشونت فرزندان نوجوان خود هستند. این نوع خشونت هم مانند انواع دیگر خشونت‌های خانگی می‌تواند سهوی یا عمدی باشد و خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهد (همان).

حساسیت‌های جامعه و جامعه‌شناسان دایره خشونت را بسیار گسترده کرده است. بر همین اساس، خشونت طیف گسترده‌ای از رفتارهای نابه‌نجار فرزندان علیه والدین را شامل می‌شود. اما حقیقت این است که افراط در جرم‌انگاری، رفتار نابه‌نجاری است که نكوهش حقوق‌دانان را در پی داشته است. بر این اساس، بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز فرزندان تحت دایره مسئولیت اخلاقی تبیین‌پذیر است. از این‌رو، عرف حقوقی و عرف شرعی اقتضای آن را دارد که صرفاً درجات خاصی از خشونت تحت عناوین کیفری قرار گیرد و از تورم کیفری به‌شدت اجتناب شود.

## جایگاه خانواده و والدین در قانون

از آنجایی که قانون اساسی و سایر قوانین ایران برگرفته از شرع مقدس اسلام است، جایگاه خانواده به‌خوبی در قوانین بازتاب یافته است. به موجب قانون «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (قانون اساسی، ماده ۱۰). بنا بر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، «خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتدای معنوی کشور و نظام است» (سیاست‌های کلی خانواده، ابلاغیه مقام معظم رهبری). نظام اسلامی مکلف است از قداست خانواده و استواری روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی پاسداری کند. علاوه بر این، طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل‌اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده‌اند و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه ۵۶۴، مورخ ۱۳۸۴/۴/۷). در سیاست‌گذاری‌های کلانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسانده، حفظ خانواده و حراست دقیق از آن و اجرای قوانین مربوط به آن در سطح جامعه از موجبات دستیابی به اهداف والای مکتب اسلام معرفی شده است. در این مصوبه بر حمایت از تشکیل خانواده و جلوگیری از تزلزل این نهاد و همچنین ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در بهبود و سلامت فرهنگی جامعه با هدف آگاهی افراد خانواده از حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه و گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده تأکید شده است (حبیبی‌تبار، ۱۳۹۸: ۳۴). اگرچه تأمل در اصول بنیادین خانواده نشان می‌دهد قانون‌گذار کوشیده است در مرحله قانون‌گذاری به صورت نظام‌مند به حقوق خانواده نگاه کند (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵/۲)، اما توجه به مجموع مقررات وضع شده نشان می‌دهد که در بحث خشونت علیه والدین، انسجامی که قانون‌گذار به دنبالش بوده است، محقق نشده است.

از آنجایی که قوام خانواده به والدین است، توجه به خانواده بدون توجه به پدر و

مادر بی‌معنا است. این موضوع توجه ویژه قانون‌گذاران به حقوق والدین و مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین را می‌طلبد. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران کیفری ایران از ظرفیت‌های قانونی اسناد بالادستی، به‌ویژه قانون اساسی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، بهره کافی نبرده‌اند. توجه به اسناد بالادستی ضرورت حمایت قضایی از والدین را به‌خوبی نشان می‌دهد.

### مسئولیت حقوقی فرزندان در قبال والدین

حمایت‌های حقوقی قانون‌گذار از والدین به عنوان شهروندان جامعه بیشتر بر حمایت مدنی تمرکز داشته و به جنبه کیفری کمتر توجه شده است. قانون‌گذار در موادی از قانون مدنی به صورت پراکنده به حقوق والدین اشاره می‌کند. به موجب قانون، «طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند» (قانون مدنی، ماده ۱۱۷۷). علاوه بر این، قانون‌گذار به مسئولیت مدنی فرزندان در قبال والدین اشاره کرده و فرزندان را مکلف به پرداخت نفقه پدر و مادر ناتوان دانسته است (قانون مدنی، ماده ۱۱۹۶). به موجب قانون، «نفقه اقارب عبارت است از مسکن، البسه و غذا و اثاث‌البیت به قدر حاجت با در نظر گرفتن استطاعت منفق» (قانون مدنی، ماده ۱۲۰۴). اما نفقه پدر و مادر، برخلاف نفقه زوجه، ضمانت اجرای کیفری ندارد (قانون حمایت خانواده، ماده ۵۳). قانون‌گذار به حمایت قانونی از والدین در دوران کهنسالی توجه ویژه داشته است. از جمله اموری که در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، آمده است اتخاذ روش‌های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبت‌های جسمی، روحی و عاطفی از آنان است (سیاست‌های کلی خانواده، ماده ۱۵). از جمله مواد قانونی که قانون‌گذار می‌تواند در حمایت از والدین در برابر خشونت جسمی به کار ببرد، قوانین مربوط به قتل نفس است. بر این اساس، از آنجایی که به موجب قانون، مقتول از قاتل ارث نمی‌برد، قانون‌گذار می‌تواند خشونت قتل والدین را معین کند (قانون مدنی، ماده ۸۸۰). از جمله ویژگی‌های قوانین حقوقی داشتن ضمانت اجرای مناسب است و تعیین این ضمانت اجرا می‌تواند از کارکرد اصول بنیادین حقوقی ناشی شود (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶۷/۲). در صورتی که فردی از اجرای قواعد تخطی کند قانون‌گذار باید واکنش مناسبی

بر وی اعمال کند. این واکنش ممکن است کیفری یا غیرکیفری باشد. قانون‌گذار باید در جعل قوانین به اصول توجه کند.

مواد قانونی فوق و دیگر مواد مشابه آن، فقط اندکی از حقوق والدین را تضمین می‌کند و از انبوه حقوق والدین و مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین غفلت شده است. علاوه بر این، قانون‌گذار با توجه به لزوم احترام والدین در قانون مدنی، می‌توانست مصادیق مختلفی از خشونت علیه والدین را تحت عناوین کیفری قرار دهد. با این حال، قانون‌گذار در موادی از قانون به مجازات کیفری و تعزیری به صورت کلی و بدون در نظر گرفتن اقشار مختلف شهروندان اشاره کرده است، که می‌توانند در قانون حمایت از والدین به صورت خاص منعکس شوند (تعزیرات و مجازات بازدارنده، ماده ۱۱۵-۱۲۷).

### ضرورت جرم‌انگاری پدیده خشونت علیه والدین

آسیب‌پذیری والدین در بحران‌های خانوادگی اجتماعی اقتضا می‌کند که سیاست‌های پاسخ‌دهی کیفری در قبال آنها حمایتی و ویژه باشد. قوانین کیفری ایران در وضع مقررات، فقط به وضع جرم و تعیین مجازات برای مرتکب آن توجه داشته و با اتخاذ رویکردی جرم‌مدار، ناتوانان بزه‌دیده آسیب‌پذیر را به فراموشی سپرده و نادیده انگاشته است؛ حال آنکه، در حقوق کیفری مدرن یکی از رسالت‌های مهم حقوق کیفری، حمایت از ناتوانان در پرتو وضع مقرراتی است که متضمن بیشترین حمایت از این بزه‌دیدگان باشد. جرم‌انگاری فرآیندی است که به موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مقبول نزد خود، برای فعل یا ترک فعلی ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (نجفی‌توانا و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۹). سیاست کیفری ایران در قبال حمایت از والدین در جرایم خشونت‌آمیز کافی نیست. والدین در سنین خاص یا در اوضاع و احوال خاص آسیب‌پذیر می‌شوند و همانند دیگران نیازمند حمایت قانونی هستند. آنها در دوران‌ها و موقعیت‌هایی از زندگی آسیب‌پذیرترند. اگرچه در فضای رسانه‌ای و نوشتاری از زن و کودکان به عنوان اقشار آسیب‌پذیر نیازمند حمایت قانون نام می‌برند، مطالعه قرآن و سنت اسلامی نشانگر آن است که توجه قرآن و سنت به حقوق والدین و رعایت حقوق آنها و توجه به آسیب‌پذیری‌شان به مراتب بیشتر است.<sup>۲</sup> از جمله نکات ضروری در قانون‌گذاری، دادن جنبه عمومی به جرم علیه والدین است. به این ترتیب تعقیب جرایم ارتكابی علیه

والدین بر عهده دادستان خواهد بود و این راهی مناسب برای کشاندن این جرایم از فضای خلوت و خصوصی خانواده‌ها به کل جامعه است. پیش‌گیری از وقوع جرم به موجب قانون اساسی بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده است (قانون اساسی، اصل ۱۵۶). قانون‌گذار بر اساس مستندات فقهی، مجازات کیفری مرتکبان به خسارت جانی و بدنی را معین کرده است. به موجب قانون حمایت از کودکان، کودک‌آزاری از جرایم عمومی است و نیاز به شاکی خصوصی ندارد (قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ماده ۵). بنابراین، قانون‌گذار می‌تواند خشونت علیه والدین را نیز از جرایم عمومی بداند که نیازی به شاکی خصوصی ندارد. به موجب قانون مزبور، هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمی، روانی یا اخلاقی وارد شود ممنوع است (قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ماده ۲). این یعنی قانون‌گذار خشونت را در جمیع اشکالش محکوم کرده و برای متخلفان مجازات در نظر گرفته است. حمایت‌های قانون‌گذار از زنان بیوه، معطوف به حمایت مالی و فرهنگی است و قانون‌گذار به حمایت قضایی بی‌توجه بوده است (قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، ماده ۴). با این حال، قانون‌گذار در برخی قوانین خاص حمایتی، مانند قانون حمایت از کودکان و قانون حمایت از زنان، به صورت خاص به تعریف قوانین کیفری و تعیین مصداق آن همت گماشته است (قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده، ماده ۱۲۲).

حال این پرسش مطرح می‌شود که: چه مستندات و شواهدی بر ضرورت جرم‌انگاری خشونت‌های متنوع فرزندان در برابر والدین وجود دارد؟ در ادامه به این پرسش، پاسخ مناسب داده خواهد شد.

### مستندات فقهی و اخلاقی جرم‌انگاری خشونت علیه والدین

رعایت اصول فقهی و اخلاقی، از دیرباز در سنت دینی جامعه ایرانی نمایان بوده است، اما تا زمانی که این اصول در قالب قوانین حقوقی در نیاید ضمانت اجرا ندارد. جرم‌انگاری فرآیندی است که به موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن مبانی فقهی و هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. بر این اساس، جرم‌انگاری، پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی همچون فقه، فلسفه حقوق، و علوم اجتماعی است. قانون کیفری، قواعد محدودکننده حقوق و آزادی‌های فرد در جهت تضمین همزیستی مسالمت‌آمیز است.

هر گونه جرم‌انگاری بدون توجه به محدودیت‌ها و مبانی حقوق کیفری می‌تواند زمینه‌ساز معضلات متعددی باشد. در جمهوری اسلامی ایران، مثل همه کشورها، جرم‌انگاری تابع محدودیت‌هایی است. در ایران نیز جرم‌انگاری تابع محدودیت‌های مقرر در قانون اساسی است. همچنین، بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی باید در حدود اصول و موازین اسلامی اقدام به جرم‌انگاری کند. فقه، اخلاق و هنجارهای اجتماعی، از مهم‌ترین اصول حقوقی در جرم‌انگاری ایران است که در نظام کیفری، در حدود مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آمده است. جرم‌انگاری باید بر اساس ضوابط و اصول کلی شرعی و اخلاقی، و قانون اساسی انجام شود. اما پرسش این است که: بارزترین مستندات فقهی و حقوقی قانون‌گذاران در جرم‌انگاری خشونت فرزندان علیه والدین کدام است؟

### تمسک به اطلاقات و سیره متشرعه

بنا بر آموزه‌های دینی، ادله حرمت تکلیفی و وضعی خشونت علیه والدین، به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود. مقصود از ادله عام، عمومات و اطلاقاتی است که خشونت را علیه همه افراد جامعه ممنوع می‌کند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که عناوین عام منطبق بر همه مصادیق آن، از جمله والدین، است. عناوین مختلفی همچون «هتک حرمت مؤمن»، «ایذاء مؤمن» و مانند آن از جمله عناوین عام در باب خشونت است که منطبق بر همه مصادیق از جمله والدین می‌شود. از باب نمونه، عنوان «ایذاء مؤمن» علاوه بر اینکه بنا بر نص قرآن کریم حرمت دارد (أحزاب: ۵۸)، نزد فقیهان از مسلمات فقهی به شمار می‌رود، به گونه‌ای که علما برای اثبات حرمت عناوین دیگر به حرمت ایذاء مؤمن استناد می‌کنند (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۱۹). «حرمت اهانت به مؤمن» عنوان دیگری است که از اطلاقات روایات مستفیضه مستفاد شده است، و فقیهان در ابواب مختلف فقهی به آن استناد می‌کنند (همان: ۳۲۵/۲۷).

از سوی دیگر، هر گونه خشونت علیه مؤمنان مشمول عناوین «قصاص»، «دیه» و «ضمان» است. مثلاً عنوان «قصاص» عنوانی است که نص قرآن، سنت متواتره و اجماع آن را اثبات کرده است (نجفی، ۱۳۷۴: ۷/۴۲). بر این اساس، هر اثر جنایتی مانند قتل، قطع، ضرب و جرح از جنایتکار استیفا می‌شود (همان). علاوه بر این، در فقه اسلامی، هر گونه جنایت بر نفس یا عضو موجب ثبوت «دیه» است (موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۴۹۸/۲). این

مطلب در قانون مجازات اسلامی منعکس، و به قانون تبدیل شده است. به موجب قانون «دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی‌علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود» (قانون مجازات اسلامی، کتاب دیات، ماده ۲۹۴).

در مقابل، ادله‌ای هستند که درباره خشونت علیه والدین وارد شده‌اند و هر گونه خشونت علیه ایشان را ممنوع می‌کنند. مثلاً آزار و اذیت والدین مشخصاً تحت عناوین فقهی «عاق والدین»، «ایذاء والدین»، «وجوب احترام به والدین» و «وجوب احسان به والدین» و مانند آن قرار می‌گیرد، که نشان‌دهنده حرمت تکلیفی و وضعی خشونت فرزندان علیه والدین و عواقب آن است (بروجردی، ۱۳۸۶: ۹۳۳/۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۱۳؛ خوبی، ۱۴۱۸: ۳۷۷/۲۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲: ۳۶/۲). علاوه بر آنچه بیان شد، سیره قطعی و مستمر متشرعه در طول تاریخ اسلامی مؤید حرمت تکلیفی و وضعی ایذاء پدر و مادر است. از این رو، مقتضی و عدم‌المانع در خصوص حرمت تکلیفی و وضعی خشونت علیه والدین محقق بوده، مستند فقهی مناسب برای جرم‌انگاری کیفری است. به نظر می‌رسد وجود عناوین کلی در خصوص حرمت ایذاء والدین و عاق والدین از یک سو، و شنیع بودن آزار و اذیت پدر و مادر در فرهنگ اسلامی از سوی دیگر، موجب شده است فقهای شیعه مبحث مستقلی برای بیان تفصیل و فروع احکام خشونت علیه والدین در نظر نگیرند، و به بیان کلیات و روایات و توصیه‌های اخلاقی اکتفا کنند.

عمومات و اطلاعات فقهی، ظرفیت مناسبی برای جرم‌انگاری کیفری در زمینه خشونت‌های فیزیکی و جسمی علیه والدین در اختیار قانون‌گذار قرار می‌دهد؛ هرچند قانون‌گذاران تاکنون از این بستر بهره کافی نبرده باشند. در ادامه، ادله وارد شده در زمینه حرمت خشونت علیه والدین به تفصیل تحلیل خواهد شد.

### گستره خشونت خانگی علیه والدین در سنت دینی

موضع‌گیری سنت دینی در برابر خشونت علیه والدین قاطع و بدون اغماض است، به طوری که از منظر دین اسلام، هر گونه بی‌احترامی به والدین از گناهان کبیره شمرده شده است. بر اساس آیات قرآن، بر انسان واجب است در امور دنیوی با پدر و مادر، پسندیده مصاحبت کند، رعایت حالشان را بکند، با رفق و نرمی رفتار کند، و جفا و خشونت در حقشان روا ندارد و مشقاتی را که از ناحیه آنها می‌بیند تحمل کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۲۴/۱۶). در سنت دینی، از بی‌احترامی و آزار والدین به «عاق والدین» و «ایذاء

والدین» تعبیر شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲: ۳۶/۲). در اسلام عقوق والدین از گناهان کبیره و هلاک‌کننده شمرده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۹۶/۶). از نگاه اسلام، مسئله عقوق بعد از شرک ورزیدن از گناهان کبیره است (همان: ۱۰۹/۱۳). «عاق»، در لغت به معنای نافرمانی و قطع رحم و ضد نیکی کردن آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۶/۱۰).

در حرمت ایذاء والدین در اموری که به «ناسزا»، «بی‌احترامی» و «تجاوز» بازگشت می‌کند، تردیدی نیست (خویی، ۱۴۱۸: ۳۷۷/۲۲). بر اساس تعالیم اسلامی، خشونت علیه والدین در هیچ سطحی پذیرفته نیست. کمترین خشونت در حق والدین آف‌گفتن است و اگر خدای تعالی از این کمتر سراغ داشت از آن نیز نهی می‌کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۰۰/۲۱). با وجود اینکه آیه قرآن پرهیز از خشونت را در دوران سالمندی لازم دانسته، اما حرمت خشونت علیه والدین اختصاص به بزرگسالی ندارد. با این حال، تأکید قرآن بر سالمندی از آن‌رو است که پدر و مادر در این دوران سخت‌ترین حالات را دارند و بیشتر احساس احتیاج به فرزندان می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۱۳).

بر اساس تعالیم اسلامی، خشونت عاطفی و روانی محکوم است. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «هر کس والدین خویش را ناراحت کند مورد عاق آنها واقع شده است» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲۱). فرزندان موظف‌اند معاشرت و سلوک با والدین را هرگز قطع نکنند. امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «قطع‌کننده رحم ملعون است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۱/۱۶). رفتار و سلوک مؤمنانه مستلزم رعایت شئون اخلاقی در جمیع لحظات و حالات زندگی است. ائمه علیهم‌السلام آیه «واخفض لهما جناح الذل من الرحمة» (اسراء: ۲۴) را چنین تفسیر کرده‌اند: «زیاد به پدر و مادر نگاه نکنی مگر از روی رحمت و رأفت، و صدای خود را از صدای ایشان و دست خود را فوق دست ایشان بلند مکنی و در راه رفتن از ایشان جلو نیفتی» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۲).

از دید تعالیم اسلامی، خشونت جسمی از گناهان کبیره شمرده می‌شود. بر اساس احادیث، «کسی که پدر یا مادرش را بزند ملعون است، کسی که مورد عاق والدین قرار بگیرد ملعون است» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۵۰/۱). سنت دینی به صورت گسترده به حقوق والدین توجه کرده و هر نوع خشونتی علیه ایشان را محکوم کرده است. منابع دینی و شواهد تاریخی مؤید حمایت قاطع دین از حقوق والدین است. به نظر می‌رسد زمانی که قرآن کریم در برابر رفتار حداقلی مانند آف‌گفتن، که فقط خشونت کلامی است، این‌گونه قاطعیت نشان می‌دهد، مسیر قانون‌گذاری را به‌روشنی در برابر قانون‌گذار قرار



می‌دهد. این در حالی است که قانون در برابر خشونت کلامی و خشونت‌های بالاتر علیه والدین ساکت است.

### حرمت مقابله به مثل در برابر خشونت والدین

از آنجایی که خداوند انسان‌ها را متفاوت آفرید، اختلافات میان والدین و فرزندان در زمینه اخلاقی، مالی و سیاسی، طبیعی است. سنت دینی در اختلاف میان افراد خانواده، فرزندان را به صبر و خویش‌داری توصیه می‌کند و آنها را از اعمال هر گونه خشونت علیه والدین بر حذر می‌دارد. مخالفت سنت دینی با خشونت و بی‌احترامی به والدین به حدی است که از فرزندان خواسته می‌شود، حتی در صورت ظلم جسمانی یا مالی والدین در حق فرزندان، تندخویی و خشونت نکنند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر کسی به پدر و مادر نگاه خشمگینانه‌ای بیندازد در حالی که ایشان به او ظلم کرده باشند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۳۳۷/۷). اگر فرزند رفتار ناگواری از پدر و مادر دید و رنجید، نباید موجب رنجش ایشان شود. بنا بر احادیث، «و لا تنهرهما» (إسراء: ۲۳) یعنی اگر والدین تو را زدند آنها را نرنجانی و در عوض بگویی خدا شما را بیامرزد (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۸۵). حرمت و حفظ جان انسان‌های بی‌گناه اهمیت فراوان دارد، با این حال حق پدر چنان سنگین است که بر اساس سنت دینی، حتی اگر پدر دست به قتل فرزندش بزند مستحق قصاص نیست. فرزند نباید پاسخ خشونت پدر را با خشونت بدهد، بلکه سزاوار است که در برابر ایشان با نهایت فروتنی و تواضع رفتار کند.

خشونت فرزندان علیه والدین در جمیع سطوح محکوم است. والدین به صورت طبیعی گاه از مسیر حق و انصاف خارج می‌شوند و برخلاف دستورهای دینی در برابر فرزندان خویش اعمال خشونت می‌کنند. شارع مقدس حتی در چنین مواقعی هم حق اعمال خشونت را از فرزندان سلب کرده و از آنها خواسته است از حقوق شرعی و قانونی خود به نفع والدین چشم‌پوشی کنند و از هر نوع آزار ایشان بپرهیزند.

### خشونت مالی علیه والدین

اختلافات مالی زمینه بسیاری از مجادلات میان والدین و فرزندان را فراهم می‌کند. سنت دینی، در چنین مسائلی ضمن اینکه احقاق حقوق را جایز می‌شمرد، رعایت ادب و احترام

در هنگام مجادله را ضروری می‌داند. در روایتی آمده است که فردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد که پدرم خانه‌ای را که به من بخشیده بود به برادرم داده است. امام فرمود: «با او محاجه کن و صدای خود را بالاتر از صدای او نبر» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۵/۲۷). استیفای حقوق شرعی، مقتضای عدالت و باعث قوام جامعه است. استیفای حقوق نباید زمینه را برای پایمال کردن اصول اخلاقی و رعایت نکردن حقوق والدین فراهم کند.

بر اساس روایت دیگری، پسری از پدرش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکایت کرد و گفت «این پدر من است و در میراث مادرم به من ظلم کرده است». پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمودند: «تو و مال تو از آن پدر تو است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۵/۱۷). از نگاه سنت دینی، هر گونه اعمال فشار بر والدین، از جمله در مضیقه قراردادن ایشان یا رفع نکردن نیاز مالی‌شان در صورت بضاعت خشونت مالی محسوب می‌شود. امام باقر علیه السلام ذیل این حدیث فرمودند: «من دوست ندارم پدر بیش از مایحتاج ضروری‌اش از اموال فرزند بردارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۳/۱۷). طبق نقلی که از امام صادق علیه السلام ذیل حدیث مزبور آمده، این حدیث درباره شخصی وارد شده که پدرش را به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده بود، و از او درباره ظلم در میراث مادرش شکایت می‌کرد. این در صورتی بود که پدر ادعا کرد میراث مادر را برای خود و فرزند هزینه کرده و اکنون هیچ مالی برای پرداخت به فرزند ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله برای حفظ حرمت پدر، او را از پرداخت مال معاف فرمود (همان). بر این اساس، حدیث مزبور به معنای نفی حقوق فرزندان نیست، بلکه روایتی اخلاقی است که در زمانی که والدین توان دادن خسارات به فرزندان را ندارند، نباید مؤاخذه یا تعقیب کیفری شوند. بر این اساس، هر گاه تصرف پدر در مال فرزند برای رفع نیاز باشد پدر مؤاخذه نمی‌شود و حتی در صورت تمکن پدر، اگر در مال فرزند تصرف کند محکوم به پرداخت می‌شود اما تعزیر نمی‌شود (سبحانی، ۱۳۸۹: ۵۲۹/۲).

احقاق حقوق شرعی، پسندیده و مطلوب است، اما فرزند نباید در راه استیفای حقوق، حرمت والدین را خدشه‌دار کند. علاوه بر این، بر فرزند لازم است نیازهای مالی والدین را به صورت متعارف در حد توان برطرف کند و آنها را در مضیقه نگذارد. زیرا اعمال خشونت مالی علیه والدین جایز نیست.

### تمسک به قاعده لکل معصیه تعزیر

گذشته از ادله لفظی عام و خاص در باب خشونت علیه والدین، قواعد فقهی نیز

می‌تواند به عنوان مستند جرم‌انگاری کیفری استفاده شود. قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» از مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران به شمار می‌رود. جرایم تعزیری بخش مهمی از مسئولیت کیفری را در حقوق کیفری تشکیل می‌دهد. در اسلام به منظور جلوگیری از جرایمی غیر از زنا، سرقت، شراب‌خواری و مانند آن مجازات‌هایی مقرر شده است که در فقه از آن به «تعزیرات» یاد می‌شود. به طور کلی، هر گناهی که مجازاتش در شرع معین شده «حد» و هر گناهی که مجازاتش تعیین نشده «تعزیر» است (نجفی، ۱۳۷۴: ۲۵۴/۴۱). فقها برای اثبات مجازات تعزیری در جرایمی که کیفرش در شرع ذکر نشده به قاعده «الکل معصیة تعزیر» استناد می‌کنند (عاملی جبعی، ۱۳۷۸: ۲۷۳/۳). تعزیر عقوبتی است بر انجام‌دادن فعل حرام یا ترک واجب، که میزانش در شرع معین نشده باشد، بلکه تعیین کمیت و کیفیتش به حاکم شرع تفویض شده باشد، مشروط به آنکه از میزان حد بیشتر نباشد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۹/۲۹). نصوص مستفیضه و اجماع فقیهان، بر مشروعیت تعزیر دلالت دارد (همان: ۱۱/۲۹). تعزیر اقسام مختلفی دارد، از جمله: عقوبت بدنی، عقوبت مالی و عقوبت‌های متفرقه مانند توبیخ، تبعید و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی (همان: ۱۵/۲۹). شارع مقدس برخی مصادیق تعزیر را مشخص کرده است که از آن به «تعزیرات شرعی» تعبیر می‌شود. در مقابل، تعزیراتی قرار دارند که تعیین نوعش بر عهده حاکم شرع گذاشته شده و از آن به «تعزیرات حکومتی» تعبیر می‌شود (همان: ۱۶/۲۹). از آنجایی که خشونت فرزندان در قبال والدین معصیت است، لذا مشمول قاعده فوق می‌شود. اثبات اصل جرم و تعیین نوع و میزان مجازات تعزیری بر عهده حاکم شرع است. ناگفته پیداست که بسیاری از خشونت‌های عاطفی از مصادیق معصیت فقهی نیست و لذا سزاوار مجازات تعزیری هم نیست.

باب تعزیرات ظرفیت مناسبی برای بهره‌برداری قانون‌گذار در جعل تعزیرات کیفری قرار داده است. از آنجایی که خشونت علیه والدین در هر شکلش معصیت الاهی محسوب می‌شود، قانون‌گذار می‌تواند طیف گسترده‌ای از مجازات تعزیری، از قبیل زندان و جریمه مالی، را برای ارتکاب خشونت علیه والدین در نظر بگیرد.

### پرهیز از تورم کیفری

اصل «کمینه مداخله کیفری» از اصول پذیرفته‌شده در حوزه قانون‌گذاری است. بر این اساس، هر گونه مداخله کیفری نیازمند توجیه فقهی و اخلاقی است. اصل آزادی

اراده و عدالت کیفری اقتضا می‌کند که دخالت قانون‌گذار و دولت در حریم خصوصی بر پایه پاره‌ای توجیهاات پذیرفتنی قرار گیرد. در هر گونه جرم‌انگاری حقوقی باید از افراط و تفریط خودداری شود، زیرا هر دو نوعی نابهنجاری به شمار می‌آید. هر نوع افراط در «جرم‌انگاری» و «تورم کیفری»، به عنوان رفتاری نابهنجار، جز افزایش جمعیت کیفری و افزایش تعداد مجرمان ثمره دیگری ندارد. همچنین، توجه قانون‌گذاران به «کاهش عناوین مجرمانه» و «کاهش جرایم تعزیری» با هدف جرم‌زدایی و جرم‌انگاری حداقلی شکل گرفته است. از سوی دیگر، بی‌توجهی به حقوق والدین نیز باعث گسترش خشونت علیه والدین و پایمال شدن حقوق آنها می‌شود.

### نقد و ارزیابی

با توجه به تمام تأکیدات شرعی و قانونی درباره مسئولیت فرزندان در برابر والدین، گستره حمایت حقوقی از والدین آسیب‌پذیر در برابر خشونت فرزندان چشمگیر نیست. توصیه‌های اخلاقی، به‌تنهایی عملکرد بازدارندگی ندارد و برای حفظ حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر، وضع قوانین حمایتی ضروری به نظر می‌رسد. وضع قوانین در مسائل خانوادگی به دلیل ماهیت مناقشات خانوادگی اهمیت مضاعف دارد. البته این مطلب نباید به گونه‌ای باشد که دخالت قانون‌گذار در حریم خصوصی تلقی شود. گرچه قانون‌گذار به صورت نظری از حریم خصوصی دفاع می‌کند اما در عمل، بنا به ملاحظات، خود را مکلف به دخالت در حریم خصوصی در حوزه‌هایی مانند حمایت از کودکان می‌داند. قانون حمایت از والدین در برابر خشونت فرزندان باید متناسب و بازدارنده باشد نه اینکه به اختلافات خانوادگی دامن بزند.

گستره مفهوم «خشونت خانگی» در جامعه‌شناسی و اخلاق بسیار گسترده‌تر از مفهوم «خشونت حقوقی» است. از این‌رو، اگر عرف متشرعه معیار تشخیص مصادیق خشونت دانسته شود، بخشی از مصادیق خشونت خانگی تحت عناوین «مسئولیت اخلاقی» قرار می‌گیرد و عرفاً از مصادیق «مسئولیت قانونی» به شمار نمی‌رود. از باب نمونه، هرچند از نظر جامعه‌شناختی و اخلاقی خشونت عاطفی و روانی کم‌اهمیت‌تر از خشونت جسمی نیست، اما جرم‌انگاری خشونت عاطفی و روانی علیه والدین عرفاً صحیح نیست. اخذ وجوه مالی از والدین خارج از میزان نفقه در صورت رضایت‌نداشتن ایشان در زمره مسئولیت مدنی به شمار می‌رود و مشمول عنوان «ضمان» است.

به نظر می‌رسد اصل «عدالت» و «معروف» که از اصول قانون‌گذاری محسوب می‌شود، در زمینه تعیین مصادیق خشونت خانگی ابزار مناسبی در اختیار قانون‌گذار قرار دهد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶۷). اجتناب از افراط و تفریط در جرم‌انگاری حقوقی ضروری است. همچنین، توجه قانون‌گذار به «کاهش عناوین مجرمانه» و «کاهش جرایم تعزیری» به منظور جرم‌زدایی و جرم‌انگاری حداقلی شکل گرفته است. در نهایت، بی‌توجهی به حقوق والدین نیز باعث گسترش خشونت علیه والدین و پایمال‌شدن حقوق آنها می‌شود.

### نتیجه

گسترش مطالعات حقوقی، ابعاد جدیدی از خشونت خانگی را روشن کرده است. سنت دینی و منابع فقهی، با پرداختن گسترده به ابعاد خشونت علیه والدین، زمینه را برای جرم‌انگاری کیفری فراهم کرده‌اند. سیاست پاسخ‌دهی کیفری در خصوص پیش‌گیری از جرم و مقابله با هنجارشکنی و پدیده مجرمانه، مستلزم جرم‌انگاری در مصادیق بارز خشونت علیه والدین است. با وجود تأکیدات دین مبین اسلام، قوانین حقوقی توجه شایانی به پدیده خشونت علیه والدین نکرده‌اند. از این‌رو تدوین و نگارش قانون جامع حمایت از والدین در برابر خشونت، و تبیین حدود و ثغور و مصادیق آن ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، قانون‌گذار می‌تواند با توجه به جوانب مختلف موضوع، مجازات‌های تعزیری همچون حبس تعزیری، جریمه مالی، محدودیت‌های اجتماعی یا کاهش مزایای اجتماعی را درباره متخلفان در نظر بگیرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. «و قضی ربک ألا تعبدوا إلا إیاه و بالوالدین إحسانا ...» (اسراء: ۲۳).
۲. «... اما یبلغن عندک الکبر احدهما أو کلاهما» (اسراء: ۲۳).

## منابع

قرآن کریم.

آقاخان، کامران؛ و همکاران (۱۳۸۱). «بررسی خشونت فیزیکی توسط همسر علیه زنان»، در: مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، س ۹، ش ۳۱، ص ۴۸۵-۴۸۹.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، الطبعة الثالثة. بروجردی، حسین (۱۳۸۶). *منابع فقه شیعه*، ترجمه: مهدی حسینیان قمی و همکاران، تهران: فرهنگ سبز، ج ۲۶.

جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (علیهم السلام)*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۱۹-۲۹.

حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۸). *تشکیل خانواده از منظر فقه و حقوق موضوعه*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) چاپ اول، ج ۱۶ و ۲۰.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام)*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، آستانة الرضویة المقدسة، الطبعة الاولى.

حکمت نیا، محمود؛ و همکاران (۱۳۸۸). *فلسفه حقوق خانواده*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ دوم، ج ۲.

خوئی، ابو القاسم (۱۴۱۸). *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ج ۲۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). *مفردات ألفاظ القرآن*، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.

سالاری فر، محمدرضا؛ تیبیک، محمدتقی (۱۳۸۹). *مقاله با خشونت خانگی علیه زنان*، قم: هاجر، چاپ اول.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). *استفتائات*، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام) \*

سیاست های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۹۵/۶/۱۳)، <https://b2n.ir/755253>

شربتیان، محمدحسن؛ و همکاران (۱۳۹۶). «تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه: مطالعه موردی زنان ۱۸ تا ۵۴ سال شهر میانه»، در: پژوهش راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ش ۱۶، ص ۴۷-۷۲.

صادقی فسایی، سهیلا؛ شعبانی افارانی، الهه (۱۳۹۶). «مطالعه درک و تفسیر والدین از پدیده ولی آزاری: یک مطالعه داده بنیاد در شهر تهران»، در: پژوهش نامه مددکاری اجتماعی، س ۳، ش ۱۱، ص ۱-۴۱.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.

گستره حمایت کیفری از والدین آسیب پذیر در برابر خشونت خانگی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی / ۲۹

عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۷۸). *الروضه البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ پنجم، ج ۳.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الإسلامیه، الطبعة الاولى.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، [https://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution).

قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست، مصوب ۱۳۷۱، <https://b2n.ir/687604>.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۸۱، <https://b2n.ir/202051>.

قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱، <https://b2n.ir/974494>.

قانون مجازات اسلامی، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵، <https://b2n.ir/859007>.

قانون مجازات اسلامی، کتاب دیات، مصوب ۱۳۶۱، <https://b2n.ir/071570>.

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰، تجدید نظر کلی در سال ۱۳۹۲، <https://b2n.ir/548089>.

قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷، <https://b2n.ir/934171>.

کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). *کنز الفوائد*، تصحیح: عبدالله نعمه، قم: دار الذخائر، الطبعة الاولى.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق: عبد الله محمد شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.

موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۵). *تحریر الوسيلة*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الحادی عشر، ج ۲.

نجفی توانا، علی؛ مصطفی زاده، فهیم (۱۳۹۲). «جرم انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، در: *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، دوره ۵، ش ۸، ص ۱۴۹-۱۶۹.

نجفی، محمد حسن (۱۳۷۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تصحیح: محمود قوچانی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ج ۴۱-۴۲.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۳۲). *موسوعة الفقه الإسلامی المقارن*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲.

<http://ana.ir/i/137257/>

<https://b2n.ir/463255>

<https://b2n.ir/234666>

<https://b2n.ir/820286>

<https://b2n.ir/036826>

## References

The Holy Qurān

Āqākhānī, Kāmran et al. 2002. "Barrisī-yi Khushūnat-i Phīzīkī Tawassuṭ-i Hamsar 'alayh-i Zanān (Investigation of Physical Violence by Spouses against Women)". In: *Journal of Iran University of Medical Sciences*, yr.9, no.31, pp.485-489. [in Farsi]

'Āmilī Juba'ī (Shahīd Thānī), Zayn al-Dīn ibn 'Alī. 1999. *Al-Rawḍah al-Bahīyah fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqīyah (The Beautiful Garden in the Explanation of the Damascus Shine)*, Qom: Mu'assisah Ismā'īlīyān, Fifth Edition, vol.3. [in Arabic]

'Ayyāshī, Muḥammad ibn Mas'ūd. 2001. *Tafsīr al-'Ayyāshī*, Researched by Hāshim Rasūlī, Tehran: Maktabah 'Ilmīyah Islāmīyah, First Edition. [in Arabic]

A Group of Researchers. 2002. *Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to the Religion of Ahl al-Bayt (AS)*, Qom: Institute for Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to the Religion of Ahl al-Bayt (AS), vol.19-29. [in Arabic]

Burūjirdī, Ḥusīyn. 2007. *Manābi'-i Fiqh-i Shi'ah (Sources of Shiite Jurisprudence)*, Translated by Mahdī Ḥusīynīyān Qumī et al., Tehran: Farhang-i Sabz, vol.26. [in Farsi]

Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar. 1999. *Al-Tafsīr al-Kabīr: Maḥāṣin al-Ghiyb*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, Third Edition. [in Arabic]

Ḥabībītabār, Jawād. 2019. *Tashkīl-i Khāniwādih az Manẓar-i Fiqh wa Ḥuqūq-i Muḍū'ih (Forming a Family from the Perspective of Jurisprudence and Approved Rights)*, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, First Edition. [in Farsi]

Ḥāshimī Shāhrūdī, Maḥmūd. 2011. *Musū'ah al-Fiqh al-Islāmī al-Muqrān (Encyclopedia of Comparative Islamic Jurisprudence)*, Qom: Mu'assisah Dā'irah al-Ma'ārif Fiqh al-Islāmī bar Madhhab-i Ahl al-Bayt (Institute for Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to the Religion of Ahl al-Bayt (AS)), vol.2. [in Arabic]

Ḥikmat Nīyā, Maḥmūd et al. 2009. *Falsafih-yi Huqūq-i Khāniwādih (Philosophy of Family Law)*, Tehran: Rawābiṭ 'Umūmī-yi Shurāyi Farhangi Ijtimā'i-yi Zanān



(Public Relations of Women's Cultural and Social Council), Second Edition. [in Farsi]

Hurr 'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1988. *Wasā'il al-Shī'ah (Shiite Means)*, Qom: Mu'assisah Āl al-bayt (The Prophet's Household Institute), First Edition, vol.16 & 20. [in Arabic]

Hurr 'Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1993. *Hidāyah al-Ummah ilā Ahkām al-'A'immah (AS) (Guidance of the Community to the Rulings of the Imams)*, Mashhad: The Islamic Research Assembly, Āstānah al-Raḍāwīyah al-Muqaddasah, First Edition. [in Arabic]

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1993. *Lisān al-'Arab*, Qom: Dār Šādir, Third Edition. [in Arabic]

Ibn Shu'bah Harrānī, Ḥasan ibn 'Alī. 1984. *Tuḥaf al-'Uqūl*, Edited by 'Alī Akbar Ghaffārī, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Second Edition. [in Arabic]

Karājākī, Muḥammad ibn 'Alī. 1989. *Kanz al-Fawā'id (Treasure of Benefits)*, Corrected by 'Abdullāh Ni'mah, Qom: Dār al-Dhakhā'ir, First Edition. [in Arabic]

Khuyī, Abulqāsim. 1997. *Musū'ah al-Imām al-Khū'ī (Encyclopedia of Imam al-Khū'ī)*, Qom: Mu'assisah Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khū'ī (Institute for the Revival of al-Imām al-Khū'ī's Works), vol.22. [in Arabic]

Muqātil ibn Suliymān. 2002. *Tafsīr-i Muqātil ibn Suliymān*, Researched by 'Abdullāh Muḥammad Shaḥātah, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, First Edition. [in Arabic]

Mūsawī Khumiynī, Rūḥullāh. 2004. *Tahrīr al-Wasīlah*, Qom: : Islamic Publishing Foundation, Eleventh Edition, vol.2. [in Arabic]

Najafī Tawānā, 'Alī; Muṣṭafāzādih, Faḥīm. 2013. "Jurm Ingārī dar Niẓām-i Kiyfarī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Iran (Criminalization in the Penal System of the Islamic Republic of Iran). In: *Muṭālī'āt-i Fiqh wa Ḥuqūq-i Islāmī (Studies of Islamic Jurisprudence and Law)*, yr.5, no.8, pp.149-169. [in Farsi]

Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1995. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*

(*The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law*), Corrected by Maḥmūd Qūchānī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah, Fourth Edition, vol.41-42. [in Arabic]

Qānūn-i Asāsī-yi Jumhūrī-yi Islāmī-yi Iran (Constitution of the Islamic Republic of Iran), [https://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution).

Qānūn-i Ḥimāyat az Khāniwādih, Muṣawwab-i 2012 (Family Protection Law, Approved in 2012), <https://b2n.ir/974494>.

Qānūn-i Ḥimāyat az Kūdakān wa Nujawānān, Muṣawwab-i 2002 (Child and Adolescent Protection Law, Approved in 2002), <https://b2n.ir/202051>.

Qānūn-i Madanī, Muṣawwab-i 1928 (Civil Law, Approved in 1928), <https://b2n.ir/934171>.

Qānūn-i Mujāzāt-i Islāmī, Kitāb Diyāt, Muṣawwab-i 1982 (Islamic Penal Code, Atonement Book, Approved in 1982), <https://b2n.ir/071570>.

Qānūn-i Mujāzāt-i Islāmī, Muṣawwab-i 1991, Tajdīd-i Nazar-i Kullī dar Sāli 2013 (Islamic Penal Code, Approved in 1991, General Revision in 2013), <https://b2n.ir/548089>.

Qānūn-i Mujāzāt-i Islāmī, Ta'zīrāt wa Mujāzāt-i Bāzdārandih, Muṣawwab-i 1996 (Islamic Penal Code, Punishments and Deterrent Chastisement, Approved in 1996), <https://b2n.ir/859007>.

Qānūn-i Ta'mīn-i Zanān wa Kūdakān-i Bīsarpārest, Muṣawwab-i 1992 (Law on Providing Women and Orphans, Approved in 1992), [https://rc.majlis.ir/fa/content/iran\\_constitution](https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution).

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muhammad. 1995. *Mufradāt Alfāz al-Quran* (*Lexicon of the Quran*), Translated by Ghulām Riḍā Khusrawī Ḥusiyānī, Tehran: Murtaḍawī, Second Edition. [in Farsi]

Šādiqī Fasāyī, Suihiylā; Sha'bānī Afārānī, Ilāhih. 2017. "Muṭālī'ih-yi Dark wa Tafsi'r-i Wāliidiyn az Padīdih-yi Walī Āzārī: Yik Muṭālī'ih-yi Dādih Bunyād dar Shahr-i Tehran (Study of Parents' Perception and Interpretation of the Phenomenon of Parental Abuse: A Data-based Study in Tehran). In: *Pazūhish Nāmih-yi Madad Kārī-yi Ijtīmā'ī* (*Social Work Research Journal*), yr.3, no.11, pp.1-41. [in Farsi]

Sālārīfār, Muḥammad Riḍā; Tabīk, Muḥammad Taqī. 2010. *Muqābilih bā Khushūnat-i Khānigī ‘alayhi Zanān (Combating Domestic Violence Against Women)*, Qom: Hājar, First Edition. [in Farsi]

Sharbatīyān, Muḥammad Ḥasan et al. 2017. "Taḥlīl-i Jāmi‘ih Shinākhtī-yi Khushūnat-i Khānigī ‘alayhi Zanān wa Rābiṭih-yi Ān bā Iḥsās-i Amnīyat dar Khānih: Muṭālī‘ih-yi Muridī-yi Zanān 18 tā 54 Sāl-i Shahr-i Mīyānih (Sociological Analysis of Domestic Violence Against Women and Its Relationship with the Feeling of Home Security: A Case Study of Women aged 18 to 54 in Shahr-i Mīyānih)". In: *Pazhūhish-i Rāhburdī-yi Masā’il-i Ijtimā’ī-yi Iran (Strategic Research on Social Issues in Iran)*, yr.6, no.16, pp.47-72. [in Farsi]

Sīyāsāt-hāyi Kullī-yi Khāniwādih Iblāghī-yi Maqām-i Mu‘azzam-i Rahbarī (General Family Policies Announced by the Supreme Leader). 9/3/216. <https://b2n.ir/755253>

Subḥānī, Ja‘far. 2010. *Istiftā’āt (Inquiries)*, Qom: Mu’assisah al-Imām al-Ṣādiq (AS).

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusīn. 1995. *Al-Mizān fī Tafsīr al-Qurān (The Yardstick of the Interpretation of the Qurān)*, Translated by Muḥammad Bāqir Musawī, Qom: Islamic Publications Office, Fifth Edition. [in Arabic]

<http://ana.ir/i/137257/>

<https://b2n.ir/463255>

<https://b2n.ir/234666>

<https://b2n.ir/820286>

<https://b2n.ir/036826>